

Translation and Critical Review of the Article “Ḥadīth Qudsī” in the Encyclopedia of Islam

Muhammad Ibrahim Roshan Zamir¹

Amir Hussein Mazcedi²

Abstract

Despite the long-standing history of Orientalist studies on the Qur'an, their engagement with the ḥadīth literature began relatively late. A common feature of these studies is their predominant focus on Sunni ḥadīth traditions and the generalization of the methodological shortcomings found in Sunni sources to the entire body of Islamic ḥadīth heritage. One of the major deficiencies in Orientalist scholarship on ḥadīth is the neglect of Shi'i ḥadīth literature.

The present study, conducted through a descriptive–analytical approach, offers a critical examination of the article “Ḥadīth Qudsī” in the Encyclopedia of Islam. The findings indicate that the article lacks the comprehensiveness expected of an encyclopedic entry. Moreover, it fails to provide a clear definition that can adequately distinguish ḥadīth qudsī from both the Qur'an and other prophetic traditions.

Additional shortcomings include the omission of all essential differences between ḥadīth qudsī and the Qur'an, the unsubstantiated claim that ḥadīth qudsī originated from the Biblical Testaments, the inclusion of undocumented assertions, and the failure to reference all relevant sources.

KeyWords: ḥadīth, ḥadīth qudsī, Orientalism, Encyclopedia of Islam

¹ Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; (Corresponding Author); (roshanzamir@razavi.ac.ir).

² MA in Quran and Hadith, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; (amirsolema@gmail.com).



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه و نقد مقاله «حدیث قدسی» دائرة المعارف اسلام

محمد ابراهیم روشن ضمیر^۱

امیرحسین مزیدی^۲

چکیده

به رغم پیشینه طولانی مطالعات خاورشناسان در باره قرآن، آشنایی آنان با حدیث دیرنگام است. وجه مشترک مطالعات خاورشناسان در باره حدیث، توجه ویژه به حدیث اهل سنت و تسری کاستی‌های منابع حدیثی اهل سنت، به همه میراث حدیثی است. نادیده گرفتن آثار حدیثی شیعه از دیگر کاستی‌های مطالعات خاورشناسان در باره حدیث است. مطالعه حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، مقاله «حدیث قدسی» دائرة المعارف اسلام را مورد مطالعه انتقادی قرار داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که این مقاله از جامعیت لازم مقاله دائرة المعارفی برخوردار نیست. عدم ارائه تعریفی روشن که بتواند تمایز حدیث قدسی را با قرآن و سایر احادیث مشخص نماید نیز از کاستی‌های این مقاله است. مواردی از قبیل: بیان نکردن همه تفاوت‌های حدیث قدسی با قرآن، ادعای برگرفته شدن حدیث قدسی از عهدین، مطالب غیر مستند و عدم یادکرد همه منابع، از دیگر ایرادهای مقاله «حدیث قدسی» هستند.

کلیدواژه: حدیث، حدیث قدسی، خاورشناسی، دائرة المعارف اسلام.

۱. دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ (نویسنده مسئول) roshanzamir@razavi.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران amirsolema@gmail.com

مقدمه

استشراق (Orientalism) به مفهوم فعالیت‌های شرق پژوهانه غربیان، پیشینه‌ای در حدود هزار سال دارد. اولین فعالیت اسلام پژوهانه غربیان با ترجمه قرآن به زبانی لاتینی از سوی پطرس عالی قدر (۱۰۹۲/۱۰۹۴-۱۱۵۷م) در اندلس آغاز شد (فوک، بی تا: ۱۷). از آن زمان تا کنون این فعالیت‌ها فراز و فرودهایی را طی کرده است. فعالیت‌های شرق شناسی بویژه اسلامی شناسی غربیان در قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید. برخلاف آشنایی زود هنگام غربیان با قرآن، آشنایی آنان با حدیث بسیار دیر هنگام و مختصر بود. اگر چه ادعا شده است برخی از خاورشناسان، در دوره صفویه از طریق جهانگردانی که به ایران رفت و آمد می کردند با معارف شیعه بویژه حدیث آشنا شدند، اما نشانه مشخصی از این آشنایی در دست نیست و برخی اشارات آن قدر گذراست که حتی نمی توان آن را در حد آشنایی ابتدایی با حدیث شیعه دانست. شواهدی از آشنایی غربیان با حدیث، چگونگی نقل آن و مهم ترین راویان و نویسندگان جوامع حدیثی از قرن هفده در اروپا حکایت دارد (نیل ساز، ۱۳۹۳: ۱۵). همچنین ادعا شده نخستین بار هر بلو^۱ (۱۶۲۵-۱۶۹۵م) خاورشناس فرانسوی قرن هفدهم در دایرة المعارفی به نام «کتابنامه شرقی»^۲ درباره حدیث اظهار نظر کرد. او در این بررسی، ضمن سُست خواندن احادیث، ریشه کتب حدیثی را تلمود معرفی کرد (شین میرز، ۱۳۸۵: ۵۵).

فعالیت‌های گسترده خاورشناسان در موضوع حدیث از ابتدای قرن نوزدهم با ترجمه احادیث اهل سنت به زبان‌های لاتین آغاز شد. عمده فعالیت‌های حدیثی خاورشناسان در چهار حوزه: فهرست نویسی، تصحیح و تحقیق، ترجمه و تألیف و پژوهش صورت گرفته است.

این دوره را می توان دوره مستشرقان پیشگام حدیث پژوه نامید. در این دوره کسانی مانند: هاینریش فردیناند ووستنفلد^۳ (۱۸۰۸-۱۸۹۹م)، آلویس اشپرنگر^۴ (۱۸۱۳-۱۸۹۳م)، ویلیام مویر^۵

1. Barthélemy d'Herbelot de Molainville

2. Bibliothèque Orientale

3. Heinrich Ferdinand Wüstenfeld

4. Aloys Sprenger

5. William Muir

(۱۸۱۹-۱۹۰۵م)، ایگناتس گلدزیهر^۱ (۱۸۵۰م-۱۹۲۱م)، تئودور ویلم یونبول^۲ (۱۸۶۶-۱۹۴۸م)، به مطالعه حدیث پرداختند. البته عمده فعالیت در زمینه حدیث متعلق به گلدزیهر است. گلدزیهر به عنوان یکی از برجسته‌ترین مستشرقان یهودی-مجاری، دیدگاه‌های بسیار اثرگذاری در حوزه مطالعات حدیثی داشته است. وی اصالت حدیث را مورد تردید قرار داد و براین باور بود که احادیث، بازتاب‌دهنده اختلافات و منازعات سیاسی، مذهبی و اجتماعی میان فرقه‌های مختلف اسلامی در قرن دوم است. او همچنین معتقد بود که احادیث، محصول یک فرآیند تاریخی طولانی هستند و نمی‌توان آن‌ها را به عنوان سخنان مستقیم و بی‌واسطه پیامبر (ص) در نظر گرفت. از نظر او عوامل خارجی، مانند فرهنگ و ادیان دیگر (به ویژه یهودیت و مسیحیت)، تاثیر زیادی بر شکل‌گیری و محتوای احادیث داشته‌اند.

دیدگاه‌های گلدزیهر با مخالفت عالمان مسلمان و حتی برخی از خاورشناسان روبرو شد (نیل ساز، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۰)؛ شاید نتوان کتابی را یافت که دیدگاه‌های خاورشناسان در باره حدیث را مطرح کرده باشد، اما دیدگاه‌های او را نقد نکرده باشد.

دیدگاه‌های مستشرقان در باره حدیث، در اوائل قرن بیستم از سوی یوزف شاخت^۳ (۱۹۰۲-۱۹۶۹م) پی گرفته شد. او معتقد بود که بسیاری از احادیث فقهی، متاخر بوده و به پیامبر نسبت داده شده‌اند. عمده آثار شاخت درباره حدیث در قالب دو کتاب وی درباره فقه اسلامی یعنی کتاب «اصول الشریعة المحمدیة» و «المدخل إلى الفقه الاسلامی»^۴ آمده است. در دوره معاصر (اواخر قرن ۲۰ و اوائل قرن ۲۱)، خاورشناسانی مانند: ویلیام مونتگمری وات^۵ (۱۹۰۹-۲۰۰۶م)، هارالد موتسکی^۶ (۱۹۴۸-۲۰۱۹م) گرهارد باورینگ^۷، یوزف فان اس^۸ (۱۹۳۴-

1. Goldziher Ignác

2. Theodor Willem Juynboll

3. Joseph Franz Schacht

4. این کتاب با عنوان «دیباچه ای بر فقه اسلامی» از سوی اسدالله نوری به فارسی ترجمه شده است.

5. William Montgomery Watt

6. Harald Motzki

7. Gerhard Böwering

8. Josef van Ess

۲۰۲۱م)، مایکل کوک^۱ (متولد ۱۹۴۰م)، گرگور شولز^۲ (متولد ۱۹۴۴) تلاش کرده‌اند تا با روش‌های دقیق‌تر به بررسی حدیث بپردازند.

مونتگمری وات دیدگاه‌های حدیثی‌اش را در قالب کتاب‌های «محمد در مکه، محمد در مدینه، مکه محمد»، بیان کرده است. موتسکی نیز بخش وسیعی از دیدگاه‌های حدیثی‌اش را در قالب کتاب «مبادی فقه اسلامی» بیان می‌دارد.

خاورشناسان و حدیث شیعه

افزون بر آشنایی دیر هنگام خاورشناسان با حدیث، آشنایی آنان با حدیث شیعه در دوره معاصر و عمدتاً پس از پیروی انقلاب اسلامی ایران رخ داده است. آنچه باعث نادیده گرفتن منابع شیعه از سوی خاورشناسان شده، افزون بر غرض‌ورزی، در اقلیت بودن شیعه و دور بودن آنان از مناصب حکومتی، این واقعیت است که شیعه با راهنمایی اهل بیت (ع) با رد مطالب ناسازگار با روح دین و قرآن، راه را بر شبهه‌افکنان بسته است. گفتنی است برخی از بزرگان و نویسندگان نواندیش اهل سنت نیز با نظریات شیعه موافق بوده و اذعان دارند آنچه در برخی منابع فرق اسلامی آمده، قابل پذیرش نیست.

به نظر می‌رسد اقبال گسترده خاورشناسان به منابع اهل سنت، افزون بر اکثریت بودن، عبارت از وجود مطالبی در منابع حدیثی و تاریخی آنان است که می‌تواند دستاویز خاورشناسان قرارگیرد. این مطالب به آنان این فرصت را می‌دهد که اغراض سوء خود را مستند به منابع اسلامی نمایند.

نوشته حاضر با هدف آگاهی از دیدگاه خاورشناسان در باره حدیث و نقد آن، مقاله حدیث قدسی دائرة المعارف اسلام و بازخوانی انتقادی آن در گستره علوم اسلامی را ترجمه و مورد نقد و بررسی قرار داده است. حدیث قدسی به عنوان پل ارتباطی میان کلام الهی و بیان

1. Michael Allan Cook

2. Gregor Schoeler

نبوی، همواره جایگاهی منحصر به فرد داشته است. این احادیث که مضامین آنها مستقیماً به خداوند منتسب است و به گفته‌ی برخی با الفاظ پیامبر (ص) نقل می‌گردد، نه تنها گنجینه‌ای از معارف توحیدی و اخلاقی را در خود جای داده، بلکه چالش‌های مفهومی و روش‌شناختی مهمی را در مطالعات حدیثی و قرآن پژوهی ایجاد کرده‌اند؛ تمایز حدیث قدسی با قرآن از یک سو، تفاوت آن با حدیث نبوی از سوی دیگر، پرسش‌هایی بنیادین درباره ماهیت وحی، نقش پیامبر (ص) در انتقال معارف الهی و مرزهای اعتبارسنجی متون دینی را پیش روی محققان نهاده است.

پیشینه مطالعات در باره حدیث قدسی

موضوع حدیث قدسی و مسائل مربوط به آن، در دو دهه گذشته در قالب مقالات و کتاب‌ها تا حدی مورد توجه واقع شده است. مقالات «حدیث قدسی در الکافی» (سجادی، بی‌تا)، «حدیث قدسی چیست؟» (جعفری، ۱۳۸۲)، «تأملی بر رابطه بین وحی قرآنی، وحی بیانی، حدیث قدسی و حدیث نبوی» (شریفی و هدایتی، ۱۳۹۶) و «تدوین احادیث قدسی در فریقین؛ تأملی در کتاب جواهر السنیه» (رحمان پور و صنایعیان، ۱۳۹۹) به رشته تحریر درآمده‌اند.

هم‌چنین در کتاب‌های «علوم الحدیث و مصطلحه»، «الحدیث و المحدثون»، «درایة الحدیث کاربردی»، «دانش درایة الحدیث»، «علم درایه تطبیقی»، «درسنامه درایة الحدیث» و «درایة الحدیث» مطالبی در مورد حدیث قدسی مطرح شده است. به رغم طرح مباحثی در باره حدیث قدسی در کتاب‌ها و مقالات، اما هیچ‌یک به طور کامل به احصاء ویژگی‌های حدیث قدسی نپرداخته و همچنین در هیچ مقاله و کتابی دیدگاه مستشرقان در مورد حدیث قدسی مطرح و نقد نشده است. لذا شایسته است ضمن مطرح کردن ویژگی‌های حدیث قدسی، به بررسی و نقد نگاه مستشرقان پردازیم

معرفی اجمالی دائرة المعارف اسلام (The Encyclopedia of Islam)

با توجه به اینکه در صدد نقد مقاله حدیث قدسی در دائرة المعارف اسلام [انگلیسی] هستیم، شایسته است این دانشنامه به طور مختصر معرفی شود. این اثر مهم‌ترین دانشنامه به زبان انگلیسی است که درباره دین اسلام، فرهنگ و تمدن اسلامی، زبان و ادب، تاریخ و جغرافیا، رجال‌شناسی، معارف دینی و معرفی اقوام و ملل مسلمان نوشته شده است. ویراسته اول این اثر در فاصله سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۳۶ م از سوی انتشارات بریل منتشر گردید. ویراست دوم این دایرة المعارف که همراه با اصلاح و تکمیل و افزایش‌های اساسی بود از دهه ۱۹۵۰ م آغاز و در سال ۱۹۶۰ م نخستین مجلد آن منتشر شد و با انتشار مجلد یازدهم، این دائرة المعارف کامل شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۳۵).

از ویراست اول و دوم دایرة المعارف اسلام ترجمه‌هایی به زبان‌های مختلف انجام شد. ترجمه فارسی آن با عنوان «دانشنامه ایران و اسلام» از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق از سال ۱۳۵۴ ش آغاز شد و در سال ۱۳۶۱ ش دهمین دفتر آن (تا «اخوان المسلمون») منتشر و ادامه آن متوقف شد (محقق و دیگران، ۱۳۶۶: ۱۵/۱).

شایسته یادکرد است که مقالات این دائرة المعارف همچون دیگر آثار خاورشناسان از امتیازاتی از قبیل دقت در نقل مطالب، نویسه‌گردانی دقیق عناوین کتاب‌ها، نداشتن اشتباهات حروفچینی و ویرایشی و انسجام مناسب برخوردار است.

به رغم وجود امتیازات، این دائرة المعارف از کاستی‌های متعددی رنج می‌برد. ایراد عمده این دائرة المعارف، نادیده گرفتن تشیع است (محقق و دیگران، ۱۳۶۶: ۱۴/۱). غفلت از شیعه و معارف آن به حدی است که اگر یک فرد بی اطلاع از فرقه‌های اسلامی، آن را مطالعه نماید به دشواری متوجه خواهد شد که جریان دیگری در میان مسلمانان به عنوان شیعه وجود دارد.

معرفی نویسنده

نویسنده این مقاله شرق شناس انگلیسی، جیمز روبسون^۱ است. وی در سال ۱۸۹۰ متولد شد. در دانشگاه گلاسکو در رشته زبان های شرقی تحصیل کرد. از سال ۱۹۱۵ به مدت یک سال، استاد زبان عبری این دانشگاه بود. در فاصله سال های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ چند بار میان عراق و هند مسافرت کرد. برخی از آثار وی عبارتند از: عدن (۱۹۲۳)، مسیح در اسلام (۱۹۲۸)، آلات موسیقی عربی قدیم، ذم الملامی ابن ابی الدنیا، گفتارهایی در گوش دادن به موسیقی (۱۹۳۸)، درآمدی به علم حدیث (۱۹۵۳) و دهها مقاله در موضوعات مختلف در باره اسلام، پیامبر اکرم، حدیث و... (العقیقی، ۱۳۹۶: ۳۷۲/۱-۳۱۷).

برخی از مقالات رابسون در مجلات داخلی ترجمه و مورد نقد قرار گرفته است. این مقالات عبارتند از: «اسناد در روایات اسلامی» (رابسون؛ مترجم: مرتضی شوشتری، علوم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ش ۴۵ و ۴۶)، «تحلیل و بررسی تدوین حدیث از نگاه جی. رابسون در دایرةالمعارف اسلام» (محمد جواد اسکندرلو و سید رضا مؤدب، حدیث پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۴)، «بررسی مقاله «نقد حدیث» رابسون در دایرةالمعارف اسلام» (هدی رستم نژاد و محمد جواد اسکندرلو، قرآن پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱۶)، «بررسی تطبیقی مبانی و روش های حدیث پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل» (فاطمه دسترنج، حدیث پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ش ۲۲)، «آسیب شناسی آرای رابسون درباره اعتبارسنجی اسانید احادیث اسلامی» (حسن رضایی هفتادار، مرتضی ولی زاده، باقر ریاحی مهر، پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ش ۲۰).

۱. ترجمه مقاله "حدیث قدسی" دائرةالمعارف اسلام

حدیث قدسی (حدیث مقدس یا الهی)، که به آن حدیث الهی یا ربانی نیز گفته می شود، دسته ای از احادیث است که سخن خداوند را به طور متمایز از حدیث نبوی یعنی کلام

1. James Robson

پیامبر، بیان می‌کند. اگرچه گفته می‌شود حدیث قدسی کلام خداوند را در بردارد، اما با قرآن تفاوت دارد. قرآن از طریق جبرئیل نازل شده، بی‌مانند است، در نماز خوانده می‌شود و بدون طهارت نباید آن را لمس یا تلاوت کرد. حدیث قدسی لزوماً به واسطه جبرئیل نازل نشده بلکه ممکن است از طریق الهام یا در خواب آمده باشد. یک روایت که مورد پذیرش همگان نیست، می‌گوید خداوند این احادیث را در شب معراج به پیامبر وحی کرده است. واژگان حدیث قدسی دقیقاً سخنان خداوند نیستند، بلکه معنای آن را بیان می‌کنند. امکان استفاده از آنها در قرائت نماز نیست و لمس آن‌ها بدون طهارت ایرادی ندارد. باور نداشتن به قرآن کفر است، اما این در مورد حدیث قدسی صدق نمی‌کند. هنگام نقل حدیث قدسی نباید گفت «خداوند گفت» آن گونه که در نقل قرآن گفته می‌شود، بلکه باید گفت «پیامبر خدا در آنچه از پروردگارش نقل کرده، گفت» یا «خداوند متعال در آنچه پیامبر خدا از او نقل کرده گفت». منبع برخی از این احادیث به وضوح عهدین است. به عنوان مثال: «آنچه چشم ندیده و گوش نشنیده و به قلب انسانی خطور نکرده است» (اشعیا ۴: ۶۴؛ ۱ قزتیان ۹: ۲) و حدیثی که می‌گوید در روز قیامت خداوند خواهد گفت: «ای پسر آدم، من بیمار بودم و تو به دیدار من نیامدی»، که ادامه‌ای بر متی ۲۵: ۴۱ و بعد از آن است.

احادیث قدسی مجموعه‌ای می‌جزا را در میان کتاب‌های حدیث تشکیل نمی‌دهند، اما برخی مجموعه‌ها از شش کتاب اهل سنت و عمدتاً از دیگر منابع گردآوری شده‌اند. بزرگترین مجموعه، «الإتحافات السنیه فی الأحادیث القدسیه» توسط محمد المدنی یا المدیانی (درگذشته ۱۴۷۶/۸۸۱)، منتشر شده در حیدرآباد ۱۹۰۵/۱۳۲۳، شامل ۸۵۸ حدیث است که به سه گروه تقسیم می‌شوند: (۱) احادیثی که با «قال» شروع می‌شوند؛ (۲) احادیثی که با «يقول» شروع می‌شوند؛ (۳) احادیثی که به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند و این گروه آخر شامل ۶۰۳ حدیث است. اسناد ذکر نشده است، اما از آنجا که مجموعه‌ای که هر حدیث از آن آمده است ذکر شده، کسانی که مایل هستند می‌توانند اسناد آن را در آنجا پیدا کنند. مجموعه‌ای از ۱۰۱ حدیث قدسی با عنوان «مشکاة الأنوار» توسط محیی‌الدین ابن عربی (درگذشته

۱۲۴۰/۶۳۸) در حلب (۱۹۲۷/۱۳۴۶) منتشر شد، همراه با مجموعه‌ای از ۴۰ حدیث که توسط ملا علی القاری (درگذشته ۱۶۰۵/۱۰۱۴) گردآوری شده است. ابن عربی مجموعه خود را به سه بخش تقسیم می‌کند، که دو بخش شامل ۴۰ حدیث و یک بخش شامل ۲۱ حدیث، در بخش اول اسناد را به شکل کامل ارائه می‌دهد. گاهی در بخش دوم و معمولاً در بخش سوم هم اسناد کامل ارائه شده اند. علی القاری فقط صحابی‌ای را که گفته می‌شود حدیث را از پیامبر شنیده است، ذکر می‌کند. مجموعه دیگری که منتشر نشده، توسط عبدالرؤوف محمد بن تاج‌الدین المناوی (درگذشته ۱۶۲۱/۱۰۳۱) گردآوری شده است. این مجموعه به دو بخش تقسیم شده (رجوع کنید به حاجی خلیفه، ویرایش فلوجل، جلد اول، صفحه ۱۵۰ و بعد از آن)، بخش اول شامل احادیثی است که با «قال» شروع می‌شوند و بخش دوم به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. به نظر می‌رسد که المناوی که اثر کوچکتر او همان عنوان اثر المدنی را دارد، به شدت به آن اثر وابسته بوده است.

کتاب‌شناسی: علاوه بر آثار ذکر شده در متن:

الطهانی، «فرهنگ اصطلاحات فنی مورد استفاده در علوم مسلمانان»، ویرایش اسپرنگر و دیگران، کلکته ۱۸۵۴-۶۲، صفحه ۲۸۰ و بعد.

صبحی الصالح، «علوم الحدیث و مصطلحه»، دمشق ۱۹۵۹/۱۳۷۹، صفحات ۱۲۲-۱۲۵.

محمد طیب اوکیچ، «بررسی‌هایی بر برخی مسائل حدیث»، استانبول ۱۹۵۹، صفحات ۱۳-۱۶.

محمد جمال‌الدین القاسمی، «قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث»، قاهره ۱۹۶۱/۱۳۸۰، صفحات ۶۴-۶۹.

س. م. زویمر، «حدیث قدسی به اصطلاح»، در مجله MW، جلد دوازدهم (۱۹۲۲)، صفحات ۲۶۳ و بعد = «حدیث قدسی به اصطلاح» (ترجمه از بالا) در مجله ISI، جلد سیزدهم (۱۹۲۳)، صفحات ۵۳ و بعد؛ مقاله MW همچنین در کتاب «در سراسر جهان اسلام» توسط زویمر، نیویورک ۱۹۲۹، صفحات ۷۵ و بعد.

ج. رابسون، «مواد سنت، بخش دوم»، در مجله MW، جلد چهل و یکم (۱۹۵۱)، صفحات ۲۶۱-۲۶۷.

بروکلمان، جلد اول، صفحه ۵۷۱ و بعد، جلد دوم، صفحه ۷۹۱ (ابن عربی)، جلد دوم، صفحه ۱۵۱ (المدنی)، جلد دوم، صفحه ۳۹۳ و بعد، جلد دوم، صفحه ۴۱۷ (المناوی)، جلد دوم، صفحه ۵۱۷ و بعد، جلد دوم، صفحه ۵۳۹ (علی القاری). (Robson, 1986: 3/28)

۲. بررسی و نقد مقاله «حدیث قدسی»

نویسنده مقاله، در پنج بخش مطالبی را در باره حدیث قدسی در اختیار می‌گذارد. ابتداء حدیث قدسی را تعریف می‌کند؛ سپس بر اساس تعریف ارائه شده، به بیان وجوه تمایز آن با قرآن می‌پردازد. در بخش سوم، ادعای برگرفته شدن برخی از این احادیث از عهدین را مطرح می‌کند. معرفی اجمالی برخی از آثاری که احادیث قدسی را گردآورده، بخش چهارم این مقاله را تشکیل می‌دهد. بخش پایانی این مدخل به کتاب شناسی حدیث قدسی اختصاص دارد.

پیش از ورود به نقد مقاله حدیث قدسی، شایسته است ویژگی‌های مقاله دائرةالمعارفی بیان شود تا مشخص شود آیا نویسنده طبق معیارهای پذیرفته شده عمل کرده است یا خیر.

مدخل یا مقاله دائرةالمعارفی نوشته‌ای تخصصی و جامع است که به منظور ارائه اطلاعات دقیق و جامع درباره یک موضوع خاص نوشته می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های مقاله دائرةالمعارفی عبارت است از:

الف) جامعیت؛ باید همه جنبه‌های مهم موضوع مورد نظر را پوشش دهد.

ب) ساختار و نظم منطقی؛ اطلاعات باید به صورت منطقی و ساختارمند ارائه شود.

ج) بی‌طرفی علمی؛ باید از جانبداری یا تعصب پرهیز شود.

د) اعتبار منابع؛ اطلاعات باید مستند به منابع موثق و معتبر باشد (ر.ک: مصاحب، ۱۳۸۱؛

۴-۱؛ دانشنامه جهان اسلام، ۱۴۰۴؛ دائرةالمعارف ایرانیکا، ۱۴۰۴؛ هادوی، ۱۳۸۴؛ عدالت، ۱۳۹۰؛

نوذری، ۱۳۸۹؛ خراسانی، ۱۴۰۲؛ خندق‌آبادی و صفری، ۱۴۰۲).

۲-۱. ابهام تعریف حدیث قدسی

نویسنده در تعریف حدیث قدسی می‌نویسد: حدیثی است که سخن خداوند را به طور متمایز از حدیث نبوی یعنی کلام پیامبر، بیان می‌کند.

نقد:

این تعریف از حدیث قدسی غیر دقیق، بلکه مبهم است. منظور از عبارت «سخن خداوند را به طور متمایز از حدیث نبوی یعنی کلام پیامبر، بیان می‌کند» روشن نیست. نویسنده صرفاً ادعا کرده حدیث قدسی سخن خداوند را متمایز از حدیث نبوی بیان می‌کند، اما وجه تمایز را بیان نکرده است. در حدیث نبوی، محتوا از جانب خداوند و الفاظ از پیامبر است، در حدیث قدسی چگونه است که متمایز از حدیث نبوی است؟ آیا منظور این است که در حدیث قدسی، محتوا و الفاظ هر دو از جانب خداوند است؟ وضوح و دقت در تعریف بسیار حائز اهمیت است و عدم وضوح می‌تواند منجر به برداشت‌های ناروا و تفسیرهای نادرست شود. تعریف دقیق حدیث قدسی تأثیر مستقیمی بر تفسیر و استفاده از آن در متون دینی و فقهی دارد. اگر حدیث قدسی به عنوان کلام الهی با الفاظ پیامبر (ص) در نظر گرفته شود، ممکن است در برخی موارد نقل به معنا مجاز باشد، اما اگر الفاظ نیز الهی باشند، نقل به معنا جایز نخواهد بود.

ثانیا، تعریف حدیث قدسی به (words spoken by God) این تلقی را ایجاد کرده است که خداوند به شیوه معمول و متعارف در میان انسان‌ها این سخنان (حدیث قدسی) را به زبان آورده است! در بیان معنی واژه «Speak» گفته شده است: «to utter words or articulate sounds» (Merriam- Webster's Collegiate Dictionary, 2003) «with the ordinary voice» ادا کردن کلمات یا بیان صداها با صدای عادی. اگر واقعا نویسنده بر این باور بوده که الفاظ حدیث قدسی را خداوند به شیوه معمول و متعارف به زبان آورده است باید مستند آن را بیان کند. ثالثا، این تعریف با آنچه بعدا نویسنده می‌گوید سازگار نیست؛ او در ادامه می‌گوید: «واژگان

حدیث قدسی دقیقاً سخنان خداوند نیستند؛ افزون بر این، منظور از اینکه دقیقاً سخن خدا نیستند روشن نیست؛ آیا پیامبر سخن خداوند را نقل به معنا کرده یا آن را تغییر داده است؟ مستند این ادعا چیست؟

رابعا، تعریف باید جامع و مانع باشد. تعریف ارائه شده مانع نیست. اگر به نظر نویسنده، الفاظ و محتوای حدیث قدسی از خداوند است، مانع ورود قرآن در این تعریف نیست زیرا در قرآن هم همین گونه است. اگر به باور نویسنده در حدیث قدسی، محتوا از جانب خداوند و الفاظ از پیامبر است، در این صورت مانع ورود سایر احادیث در این تعریف نیست چرا در سایر احادیث هم محتوا از جانب خداوند و الفاظ از پیامبر است.

شایسته یادکرد است که در باره تعریف حدیث قدسی سه قول در منابع شیعه و اهل سنت مطرح شده است:

الف) حدیثی که محتوا و الفاظ آن از سوی خداست و پیامبر (ص) فقط حکایت آن را برعهده دارد (ابوزهو، ۱۳۷۸: ۱۶).

ب) حدیثی که محتوای آن از سوی خداست، اما پیامبر (ص) آن را با الفاظ خود حکایت می‌کند (شانه چی، ۱۳۸۹: ۴۳).

ج) حدیثی که پیامبر (ص) آن را با عبارتی شروع می‌کند که نسبت آن به خدا ثابت شود. پیامبر فقط حکایت‌گر این حدیث از خداست؛ البته با اسلوبی که تفاوت زیادی با قرآن دارد. البته در این احادیث نوری است از عالم غیب و هیبتی از خداوند ذوالجلال و الاکرام (صبحی صالح، ۱۳۶۳: ۱۲۲).

مشخص نیست مراد از «کلمات خداوند»، محتوای حدیث است یا الفاظ آن. اگر منظور محتوا باشد، این تعریف به دیدگاه دوم نزدیک‌تر است که محتوا از سوی خداوند است اما پیامبر (ص) آن را با الفاظ خود بیان می‌کند. اما اگر از «کلمات خداوند» قصد الفاظ حدیث شده باشد، این تعریف به دیدگاه اول نزدیک‌تر است که هم محتوا و هم الفاظ از سوی خداوند است.

۲-۲. مشخص نبودن مبنای تمایز حدیث قدسی با قرآن و روایات

نویسنده برای تمایز حدیث قدسی با قرآن، مواردی را برشمرده؛ اما مشخص نیست این تمایز بر چه مبنایی استوار است. تمایز حدیث قدسی با قرآن و سایر روایات، متوقف بر این است که کدام تعریف از حدیث قدسی را بپذیریم.

بنابر تعریف اول، تمایز حدیث قدسی با سایر روایات روشن است چه اینکه در سایر روایات، محتوا از جانب خداوند و الفاظ از آن پیامبر است؛ اما تمایز آن با قرآن روشن نیست، زیرا در قرآن نیز الفاظ و محتوا از جانب خداوند است. لذا در وجه تمایز حدیث قدسی با قرآن بنابر تعریف اول، گفته شده است هر چند در حدیث قدسی همچون قرآن، لفظ و معنا از جانب خداوند است، اما قرآن به هدف تحدی نازل شده اما حدیث قدسی به این هدف نازل نشده است (قمی، بی تا: ۴۰۹).

بنابر تعریف دوم، تمایز حدیث قدسی با قرآن روشن است، اما تمایز آن با سایر روایات روشن نیست، زیرا در سایر روایات، نیز لفظ از پیامبر و معنا از خداوند است. لذا برخی بنابر تعریف دوم، گفته اند تفاوت، اضافه تشریفی حدیث قدسی به خداوند است. به عبارت دیگر، حدیث قدسی با سایر احادیث، تفاوت ماهوی ندارد (ابوزهو، ۱۳۷۸: ۱۶).

بنابر تعریف سوم، به دشواری می توان تمایز حدیث قدسی با قرآن و سایر روایات را بیان کرد.

۲-۳. جامع نبودن تفاوت های حدیث قدسی با قرآن

نویسنده تعدادی از تفاوت های قرآن و حدیث قدسی را برشمرده است. این موارد عبارتند از:

الف) قرآن بواسطه ی جبرئیل نازل می شود در حالی که حدیث قدسی ممکن است از طریق خواب یا الهام آمده باشد.

ب) قرآن کلام خداست است، در نماز خوانده می شود و بدون طهارت نباید آن را لمس کرد. در حالی که حدیث قدسی بیانگر معنای کلام خداست، در قرائت نماز هم جایگاهی ندارد و می توان بدون طهارت آن را لمس نمود.

ج) باور نداشتن قرآن کفر است. اما عدم باور به حدیث قدسی موجب کفر نیست.
 د) هنگام نقل حدیث قدسی نباید عبارت "خداوند گفت" را آن گونه که در نقل قرآن گفته می‌شود به کار برد، بلکه باید عباراتی مانند "پیامبر خدا در آنچه از پروردگارش نقل کرده، گفت" به کار برده شود.

با وجود اینکه نویسندگان تعدادی از تفاوت‌های حدیث قدسی را برشمرده، از ذکر موارد مهمی غفلت کرده است.

قرآن کریم و حدیث قدسی هر دو کلام خداست، اما حدیث قدسی برخلاف قرآن کریم نه معجزه است و نه به آن تحدی شده (ربانی، ۱۳۹۹: ۴۱/۱-۴۲). هم‌چنین قرآن متواتر است؛ اما احادیث قدسی خبر واحد هستند (عتر، ۱۳۹۹: ۳۲۵). نقل به معنا در حدیث قدسی برای آشنای به معانی و الفاظ جایز است (ابوزهو، ۱۳۷۸: ۱۷) ولی در قرآن جایز نیست (مؤدب، ۱۳۸۲: ۳۹). برخی گفته‌اند بیع و معامله‌ی قرآن جایز نیست (مؤدب، ۱۳۸۳: ۲۸). با توجه به اینکه این مطلب ذیل عنوان «تفاوت حدیث قدسی با قرآن» مطرح شده می‌توان دریافت مؤلف، بیع و معامله‌ی حدیث قدسی را جایز می‌داند.

۲-۴. ادعای برگرفته شدن از عهدین

از آنجا که خاورشناسان و حیانی بودن قرآن را قبول ندارند ناگزیر در جستجوی منبعی برای آموزه‌ها و معارف اسلامی، هر چیزی را دستاویز قرار می‌دهند. آنان ادعای برگرفته شدن قرآن از عهدین را به طور مکرر بیان کرده‌اند (نولدکه، ۲۰۰۴: ۷؛ گلدزیهر، ۱۹۹۲: ۱۸؛ بروکلمان، ۱۹۶۷: ج ۱/ ۷۱؛ مونتگمری وات، ۱۳۴۴ش: ۶۱۹). خاورشناسان اذعان دارند که دیدگاه قرون وسطی درباره‌ی پیامبر بر این امر استوار بوده که ادعای پیامبری وی مبتنی بر دروغ و نیرنگ است. او توهمات خود را وحی الهی می‌پنداشت و آموزه‌های مریبان بدعت کار خود را، پیام‌های فرشته بزرگ جبرئیل تلقی می‌کرد (ر.ک: The Encyclopedia of Islam, 1968: V. VII/ 379). گرچه آنان این اتهامات را مربوط به قرون وسطی می‌دانند، اما جمعی از آنان که داعیه برخورد علمی

با شرق و فرهنگ آن را دارند، برخی شباهت‌ها بین داستان‌ها، مفاهیم و شخصیت‌های قرآن و عهدین را دلیلی برای ادعای برگرفته شدن قرآن از عهدین می‌دانند (مونتگمری وات، ۱۳۴۴ش: 51؛ 517-512/2؛ Encyclopidia of Quran). آنان می‌گویند داستان‌هایی مانند: داستان آدم و حوا، نوح، ابراهیم، موسی، یوسف و عیسی (علیهم‌السلام) در هر دو منبع آمده است. همچنین برخی مفاهیم دینی مانند توحید، قیامت، بهشت و جهنم، فرشتگان و شیطان در قرآن و عهدین مشترک هستند. آنان استدلال می‌کنند که پیامبر اسلام (ص) ممکن است با این داستان‌ها و مفاهیم از طریق ارتباط با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) یا منابع شفاهی آشنا شده باشد.

ادعای اقتباس از عهدین، در باره حدیث هم مطرح شده است. اولین بار هر بلو در نیمه قرن هفدهم در کتابنامه شرق در ذیل مدخل حدیث، برای آن ریشه‌های تلمودی برشمرد. لذا در راستای این پندار، نویسنده مقاله حدیث قدسی هم ادعا کرده است که منبع برخی از این احادیث به وضوح عهدین است. او برای این ادعا دو نمونه ارائه می‌دهد: حدیثی که در آن این عبارت آمده است: «آنچه چشم ندیده و گوش نشنیده و به قلب انسانی خطور نکرده است» (اشعیا ۶۴: ۴؛ اول قرن‌تیان ۲: ۹۲) و حدیثی که می‌گوید در روز قیامت خداوند خواهد گفت: «ای پسر آدم، من بیمار بودم و تو به دیدار من نیامدی»، که ادامه‌ای بر متنی ۴۱۳: ۲۵ و بعد از آن است.

۱. زیرا که از ایام قدیم نشنیدند و استماع نمودند و چشم‌خداایی را غیر از تو که برای منتظران خویش بپردازد ندید.
۲. بلکه، چنان‌که مکتوب است، چیزهایی را که چشمی ندید و گوش نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.

۳. ۴۱ پس اصحاب طرف چپ را گوید، ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است. ۴۲ زیرا گرسنه بودم مرا خوراک ندادید، تشنه بودم مرا آب ندادید، ۴۳ غریب بودم مرا جا ندادید، عریان بودم مرا نپوشانیدید، مریض و محبوس بودم عیادت‌م نمودید. ۴۴ پس ایشان نیز به پاسخ گویند، ای خداوند، کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا برهنه یا مریض یا محبوس دیده، خدمتت نکردیم؟ ۴۵ آنگاه در جواب ایشان گوید، هرآینه به شما می‌گویم، آنچه به یکی از این کوچکان نکردید به من نکرده‌اید. ۴۶ و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی.

نقد

اولاً همانطور که عالمان مسلمان یادآوری کردند، صرف شباهت دو متن دلیل برگرفته شدن یکی از دیگری نیست، ای بسا منشأ هر دو متن یکی باشد. لذا از آنجا که ما مسلمانان تورات و انجیل را کتاب آسمانی ملهم از وحی می‌دانیم، شباهت‌های بین قرآن و آن‌ها به دلیل وحیانی بودن است. البته بر این باوریم که عهدین کنونی تحریف شده است.

ثانیاً، وقتی می‌توان از شباهت دو متن، برگرفته شدن یکی از دیگری را اثبات کرد که شباهت‌ها گسترده و در مفاهیم کلیدی و خط و مشی کلی باشند. آنچه نویسنده بر اساس آن ادعا کرده که منشأ برخی احادیث قدسی، عهدین است، شباهت‌های اندکی آن هم در الفاظ عام است که اختصاص به هیچ کسی ندارد.

ثالثاً، در صورتی می‌توان ادعای برگرفته شدن یک متن از متن دیگر را کرد که جهت‌گیری کلی تا حدودی یکسان باشد، اما اگر دو متن، دو مسیر کاملاً متمایز را طی می‌کنند، ادعای برگرفته شدن یکی از دیگری قابل پذیرش نخواهد بود (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳: ۱۱-۱۳).

یادکرد این نکته شایسته است که در منابع حدیثی اهل سنت نشانه‌هایی از تأثیرپذیری از عهدین که به اصطلاح اسرائیلیات نامیده می‌شود، وجود دارد. همین آثار راه یافته از منابع یهودی و مسیحی به منابع زوایی اهل سنت، مورد استناد و سوء استفاده خاورشناسان قرار گرفته است (روشن‌ضمیر و مأمورزاده، ۱۴۰۳: ۲۳۱-۲۵۲).

۲-۵. مطالب غیر مستند

نویسنده در بخشی از مقاله ادعا می‌کند: «یک روایت که مورد پذیرش همگان نیست، می‌گوید خداوند این احادیث را در شب معراج به پیامبر وحی کرده است». اولاً منبع این روایت ذکر نشده است؛ ثانیاً منظور از کسانی که این روایت را نمی‌پذیرند، مشخص نیست؛ ثالثاً چرایی عدم پذیرش هم بیان نشده است. لذا این مطلب علاوه بر مستند نبودن، ابهام دارد.

۲-۶. عدم یادکرد همه منابع حدیث قدسی

عالمان شیعه از دیرباز به جمع آوری و نگارش احادیث قدسی اهتمام داشته‌اند. آقا بزرگ تهرانی معتقد است اولین تألیف شیعه «البلاغ المبین فی الأحادیث القدسیة» است که توسط سیدخلف حویزی نوشته شده (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۳). معروف‌ترین اثر شیعه «الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة» به قلم حرعاملی است، که توسط زین العابدین کاظمی ترجمه شده. ملاحیبب‌الله کاشانی هم در این زمینه کتاب «أسرار الأنبیاء و أنوار الأصفیاء» را نگاشته است. این کتاب ترجمه «الجواهر السنیه» را نیز در بردارد. «کلمة الله» از دیگر آثار مهم شیعه است. این اثر که تألیف سیدحسن شیرازی است، برخلاف الجواهر السنیه، احادیث قدسی را به شکلی دقیق دسته‌بندی کرده. برای مثال در «کلمه الله» ذیل موضوع شرک ریز موضوعاتی همچون؛ الشرک من الشیطان، انا غنی عن الشرک، انا خیر شریک و... مطرح شده است. در حالی که در «الجواهر السنیه» کتاب به ابوابی مثل «فیما ورد فی شان آدم (ع)»، «فیما ورد فی شان نوح (ع)» و... تقسیم می‌شود و از ذکر موضوعات و ریز موضوعات خبری نیست. هم‌چنین کلمه الله به دلیل ذکر منبع هر حدیث در خاتمه و تتبع بیشتر مؤلف، بر الجواهر السنیه مزیت دارد (ربانی، ۱۳۹۹: ۴۳-۴۲). لازم به ذکر است محمدباقر مجلسی، از معاصرین حرعاملی، نیز فصلی از کتاب مشهور خود «بحار الانوار» با عنوان «مواعظ الله عزوجل فی سائر الکتب السماوی و فی الحدیث القدسی» را به احادیث قدسی اختصاص داده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۷۷).

منابع مذکور حاوی تعداد زیادی از احادیث قدسی است، در حالی که برخی از آنها در زمان نگارش مقاله موجود بوده، اما هیچ اشاره‌ای به آنها در مقاله نشده است. این بی‌توجهی به آثار شیعه در سایر تألیفات مستشرقان هم به چشم می‌خورد و باعث ارائه تصویری بسیار ناقص و البته نادرست از اسلام شده است.

نتیجه‌گیری

مقاله حدیث قدسی دائرة المعارف اسلام، به رغم برخورداری از برخی امتیازات، همچون دیگر آثار خاورشناسان خالی از ایراد نیست؛ نادیده گرفتن شیعه و آثار علمی آنان از اشکال‌های مشترک آثار خاورشناسان است. مواردی از قبیل: ابهام تعریف حدیث قدسی، مشخص نبودن مبنای تمایز حدیث قدسی با قرآن و روایات، جامع نبودن تفاوت‌های حدیث قدسی با قرآن، ادعای برگرفته شدن از عهدین، مطالب غیر مستند و عدم یادکرد همه منابع حدیث قدسی از مهم‌ترین ایرادهای مقاله حدیث قدسی هستند.



کتابنامه

۱. ابوزهو، محمد محمد. (۱۳۷۸). الحدیث و المحدثون. مطبعة مصر: شركة مساهمة مصریة،
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة. اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیة تهران.
۳. بروکلیمان، کارل. (۱۹۶۷). تاریخ الشعوب الاسلامیة (جلد ۱). بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. خراسانی، علی. (۱۴۰۲). نقد جامعیت در دائرة المعارف های اسلامی خاورشناسان. مجله پژوهش های اسلامی خاورشناسان، ۳(۴)، ۱۴۵-۱۷۵.
۵. خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان - ناهید.
۶. خندق آبادی، حسین و صفری، مهدی. (۱۴۰۲). فهرست مقاله های فارسی درباره دائرة المعارف و دائرة المعارف نویسی. آئینه پژوهش، ۳۴(۶).
۷. دانشنامه جهان اسلام. (۱۴۰۴). شیوه نامه تألیف مقاله. برگرفته در ۱۴۰۴/۵/۳۱، از <https://rch.ac.ir/ContentP/shivenameKolliDetail>
۸. دائرة المعارف ایرانیکا. (۱۴۰۴). درباره دائرة المعارف. برگرفته در ۱۴۰۴/۵/۳۱، از <https://www.iranicaonline.org/articles/encyclopaedia-iranica>
۹. ربانی، محمد حسن. (۱۳۹۹). درایه الحدیث کاربردی. مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
۱۰. روشن ضمیر و مأمورزاده. (۱۴۰۳). «تأثیرپذیری خاورشناسان از منابع اهل سنت (مطالعه موردی ورقه بن نوفل)». مجله قرآن پژوهشی خاورشناسان. شماره ۳۷.
۱۱. شانه چی، کاظم. (۱۳۸۹). درایة الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. شینی میرزا، سهیلا. (۱۳۸۵). مستشرقان و حدیث، مستشرقان و حدیث: نقد و بررسی دیدگاه های گلدزیهر و شناخت. تهران: هستنی نما.
۱۳. صبحی صالح، موسی. (۱۳۶۳). علوم الحدیث و مصطلحه. قم: منشورات دارالکتاب الاسلامی.
۱۴. عتر، نورالدین. (۱۳۹۹ق). منهج النقد فی علوم الحدیث. دمشق: دارالفکر.
۱۵. عدالت، سعید. (۱۳۹۰). چرا دائرة المعارف؟ فصلنامه کنسرسیوم محتوای ملی، (۴)، ۸-۱۲.
۱۶. العقیقی، نجیب. (۱۳۹۶). شرق شناسان. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

۱۷. فوک، یوهان. (بی‌تا). تاریخ حرکت الاستشراق. ترجمه عمر لطفی العالم. بیروت: دارالمدار الاسلامی
۱۸. قمی، ابوالقاسم. (بی‌تا). قوانین الاصول. حجرية قديمة.
۱۹. گلدزیهر، اگناتس. (۱۹۹۲). العقیده و الشریعه (م. ی. موسی و دیگران، مترجم). بیروت: دارالرائد العربی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: موسسه الوفاء.
۲۱. مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). دیباچه دائره المعارف فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۳). شبهات و ردود حول القرآن الکریم. قم: موسسه التمهید.
۲۳. مودب، سیدرضا. (۱۳۸۲). علم الدرايه تطبیقی. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۴. مودب، سیدرضا. (۱۳۸۳). درسنامه درایة الحدیث. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۵. مونتگمری وات، ویلیام. (۱۳۴۴). محمد پیامبر و سیاستمدار (ا. والی زاده، مترجم). تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
۲۶. مهدی محقق و دیگران. (۱۳۶۶). مقدمه دائره المعارف تشیع. تهران: بنیاد طاهر.
۲۷. نوذری، فاطمه. (۱۳۸۹). روش تألیف مقالات دائره المعارفی. فصلنامه طب سنتی اسلام و ایران، (۱)، ۲۹-۴۰.
۲۸. نولدکه، تئودور. (۲۰۰۴). تاریخ القرآن. قاهره: مکتبه و نشر دیتیریش.
۲۹. نیل ساز، نصرت. (۱۳۹۳). خاورشناسان و ابن عباس. تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان در باره آثار تفسیر منسوب به ابن عباس. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. هادوی، محمدحسین. (۱۳۸۴). نگاهی به دائره المعارف نویسی. معارف عقلی، (پیش شماره ۱)، ۳۷-۵۲.
31. Bosworth, C. E., van Donzel, E., Heinrichs, W. P., & Pellat, C. (Eds.). (1968). The encyclopedia of Islam (New ed.). Leiden: E.J. Brill.
32. McAuliffe, J. D. (Ed.). (2001). Encyclopedia of the Qur'ān. Leiden: E.J. Brill.
33. Merriam-Webster's collegiate dictionary (10th ed.). (2003). Springfield, MA: Merriam-Webster.